



به مؤلفان کتاب آموزش قرآن چه گفتند؟

نمایندگان گروه‌های درسی آموزش قرآن مناطق شهر تهران

گزارش

رمضانعلی ابراهیم‌زاده گرجی

اشاره

نمایندگان گروه‌های درس «دینی و قرآن» از متوسطه اول مناطق نوزده‌گانه اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران گرد هم آمدند تا در حضور نمایندگان گروه قرآن دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی درباره این درس با عنایت به کمیت و کیفیت تألیف کتاب‌های جدید قرآن متوسطه اول اظهار نظر کنند.

گروه قرآن دفتر تألیف معتقد است، همکاران محترمی که وظیفه و رسالت آموزش در قرآن به دانش‌آموزان را به عهده دارند، می‌توانند بر اساس تجربه‌های مکرر و میدانی خود، قوت‌ها و ضعف‌های کتاب‌های آموزشی را به مؤلفان و تدوین‌گران کتاب‌ها و بسته‌های آموزشی منتقل کنند تا آنان هنگام تهیه و تدارک مواد آموزشی جدید، کتاب‌های مفیدتر و کارآمدتری آماده سازند.

این جلسه به همت گروه «دینی و قرآن» اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران در ساعت ۸:۳۰ صبح آغاز شد و تا هنگام اذان ظهر ادامه داشت.

ابتدا پرسش‌نامه‌ای در اختیار سرگروه‌های محترم قرار گرفت و از آنان خواسته شد که با دقت و حوصله به تمام پرسش‌های آن پاسخ دهند. سپس مقرر شد که همکاران

حاضر از طریق تریبون سالن به صورت فشرده و فهرست‌وار آرای خود را که دربردارنده انتقادات و پیشنهادهایشان درباره کمیت و کیفیت کتاب‌های درسی «آموزش قرآن» در دوره راهنمایی بود، با حضار در میان بگذارند تا در تألیف کتاب‌های آموزش قرآن متوسطه اول مورد استفاده قرار بگیرد.

نکته دیگری که هر یک از نمایندگان مناطق لازم بود بدان عنایت داشته باشند، تشریح مختصر و مفید شکل تدریس مفاد کتاب‌های ده جزئی و مفاهیم در کلاس درس بود.

گزارش کامل این جلسه را که برای چاپ در فصلنامه «رشد آموزش قرآن» تدوین شده است، برای استفاده دبیران محترم در ادامه می‌آوریم. لازم به یادآوری است که گزارش این جلسه به همان ترتیبی که دبیران از مناطق مختلف شهر تهران به اظهار نظر فراخوانده شده‌اند، آمده است.

آقای دزفولی (منطقه ۱): برای برگزاری این جلسه که هدف آن شنیدن نظرات معلمان است، از متولیان این کار تشکر می‌کنم. در اینجا به بیان روش تدریس خود اکتفا می‌کنم. فقط این نکته را بگویم که خوب است به نکات مثبت و منفی با هم توجه کنیم تا مؤلفان محترم متوجه هر دو بعد موضوع کار بشوند. به نظر من در مجموع طراحی کتاب

مفاهیم خیلی خوب است.

می‌دانیم که سال‌ها پیش کتاب‌های کوچکی با عنوان «کلیدهای فهم برای آموزش مفاهیم قرآن» در بازار موجود بود که مفاهیم قرآنی را با کلیدواژه‌هایی آموزش می‌داد تا بچه‌ها قادر به ترجمه آیات قرآن بشوند. بعد کتاب‌های پیشرفته‌تری به نام «کلیدهای مفاهیم قرآنی» طراحی شدند. البته این کتاب‌ها در آموزش و پرورش کتاب درسی به حساب نمی‌آمدند و فقط برخی از مدارس به‌عنوان کتاب کمک‌آموزشی از آن‌ها استفاده می‌کردند. بعدها با توجه به مفید بودن این روش، از آن در کتاب‌های درسی آموزش و پرورش هم استفاده شد. فکر می‌کنم کتاب مفاهیم کتاب خوبی است و بر مخاطب تأثیر می‌گذارد. چون وقتی کتاب مفاهیم را تدریس می‌کنم و بعد به روخوانی آیات می‌رسیم و از مفهوم آیه‌ای می‌پرسم، بچه‌ها قادر به بیان مفهوم و ترجمه آیه هستند. البته پرسش به آیاتی محدود می‌شود که دانش‌آموزان لغات آن‌ها را خوانده‌اند.

حجم کتاب مفاهیم نه کم است نه زیاد؛ به اندازه است. فکر می‌کنم همکاران حجم کتاب قرائت کنونی را زیاد می‌دانند اما باید به یاد داشت اگر کسی قاعده تجوید و روان‌خوانی ۵۰ تا ۱۰۰ آیه از آیات قرآن را بلد باشد، می‌تواند همه قرآن را به درستی بخواند. به‌نظر من دلیلی ندارد که تمام قرآن را به‌عنوان کتاب درسی در اختیار دانش‌آموزان قرار بدهیم؛ آن هم قرآنی که ترجمه ندارد. قرآنی که بسیاری از مطالب و مفاهیم آن برای بچه‌های این سن و سال قابل درک نیست. اما «آیات الاحکام» به‌ویژه به دختران دانش‌آموز باید تدریس شود.

مشکل موجود کتاب قرائت ده جزئی این است که هیچ یک از مطالب آن به‌صورت درسی تدوین نشده است. اگر به‌صورت درس درسی تدوین شود، معلم می‌داند در هر جلسه چه چیزی را به دانش‌آموزان یاد بدهد.

آوردن «سوره سجده» در کتاب خوب است. ما هم در نمازخانه سجده کردیم اما این کار را نمی‌توان تکرار کرد. نمی‌توان آیات سجده را تمرین کرد یا در امتحان پرسید؛ زیرا هر بار باید سجده کرد.

درباره ده جزئی‌ها که آقای باقری پرسید، عرض کنم که ما از ابتدای کتاب ده جزئی خواندن را شروع کردیم. من جمع‌خوانی را ترجیح می‌دهم. من می‌خوانم و بچه‌ها زمزمه می‌کنند. هنگام خواندن بر کلمات سخت تأکید می‌کنم. وقتی یک تا دو صفحه را خواندم، از برخی از دانش‌آموزان می‌خواهم همان آیات را بخوانند و هر دانش‌آموز از یک تا دو آیه را می‌خواند.

اگر بخواهیم به قرائت وقت زیادی اختصاص بدهیم، از اول سال تحصیلی تا پایان آن بیش از یک سوم کتاب ده جزئی‌ها را نمی‌توانیم بخوانیم. به همین دلیل از اول کتاب ده جزئی می‌خوانیم و پیش می‌رویم. امسال به بچه‌های پایه سوم گفتم تا قبل از عید به هر جای کتاب رسیدیم، ادامه آن را نمی‌خوانیم و بعد از عید فقط جزء سی را می‌خوانیم. این نکته را هم عرض کنم؛ خوب نیست بچه‌ها کتاب قرآن را در کوله‌شان می‌گذارند و بدون توجه به فداست قرآن، کوله را زیر پا قرار می‌دهند.

نکته بعدی این است که به‌دلیل نداشتن وضو، به دانش‌آموز نمی‌توانم بگویم زیر آیه‌ای را خط بکشد. پیشنهاد می‌کنم اگر دوستان قصد دارند کتاب جدیدی تهیه کنند، از کتاب‌هایی باشد که پوشش دارند. همه دانش‌آموزان که نمی‌توانند تمام وقت با وضو باشند، نتیجه می‌گیرم که کتاب بعدی لازم است به‌صورت درس‌درس تدوین شود. کتاب باید با پوشش به دست دانش‌آموزان برسد تا دست بدون وضو آیات را لمس نکند.

خانم دهقان (منطقه ۷): ضمن احترامی که برای نظر تمام همکاران عزیز قائلم، فکر می‌کنم همکاران توقع زیادی از خودشان و گاهی از دانش‌آموزان دارند. کاش ما صفحه‌های اول کتاب «سخن با مربیان» را مطالعه می‌کردیم تا متوجه شویم که مؤلفان چه انتظاری از معلم‌ها در تدریس کتاب قرآن دوره راهنمایی دارند. وقتی از من دبیر قرآن دوره راهنمایی می‌خواهند روی روخوانی تمرکز کنم تا روخوانی دانش‌آموز تقویت شود، چرا باید اصرار داشته باشم حتماً تجوید کار کنم! متأسفانه در جاهایی تقدم و تأخر برنامه آموزشی را تحت‌الشعاع چیزهای دیگر قرار می‌دهیم. زمانی که دانش‌آموز من نمی‌تواند قرآن را از رو بخواند، به چه دلیل باید دنبال آموزش تجوید به وی باشم؟ یا برای مثال عرض کنم، برای دانش‌آموزان کلاس دوم راهنمایی، آموزش تلفظ حروف در برنامه آمده است، اما وقتی دانش‌آموز به کلاس سوم می‌آید، متوجه می‌شویم دبیر کلاس دوم اصلاً به تلفظ حروف توجه نکرده است. نباید هدف آموزش را فراموش کنیم. به این علت

شما کتاب ده جزئی و کتاب مفاهیم را
سر کلاس چگونه تدریس می‌کنید؟
منظور شرح روش تدریس نیست. بفرمایید
چه اتفاقی سر کلاس می‌افتد؟

طبق آنچه در ابتدای کتاب آمده است، از آنان می‌خواهم هر روز یک صفحه از قرآن را بخوانند تا در طول یک تا دو سال بتوانند قرآن را ختم کنند. تشویق می‌کنم که با استفاده از سی‌دی قرآن را بخوانند

که دانش‌آموزان در دوره ابتدایی، آموزش روخوانی دارند، در برنامه دوره راهنمایی قرار است روخوانی آن‌ها تقویت شود. هدف بسیار مهم دیگر، ایجاد انس و علاقه در دانش‌آموزان نسبت به قرآن است. اگر من به‌عنوان دبیر قرآن، خودم دغدغه قرآنی نداشته باشم، از هر روشی در کلاس استفاده کنم، مؤثر نیست. قصد جسارت ندارم، خطایم به خودم است. من که روزی یک صفحه قرآن نمی‌خوانم، چطور از دانش‌آموزان بخواهم در هفته ۹ صفحه قرآن را در خانه بخوانند. به‌طور قطع چنین کاری نمی‌کنند؛ آن‌هم در روزگاری که هزاران عامل جذاب دیگر احاطه‌شان کرده است.

طبق فرموده قرآن: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لِنَهْدِيَهُمْ لِمَنْ سَبَلْنَا»، اگر خودمان قرآنی شویم، خداوند راه را برای ما باز می‌کند. سال اولی که حجم کتاب قرآن و کتاب مفاهیم را دیدم، باور کنید ترسیدم. با خودم گفتم: چطور می‌توان این همه درس را با بچه‌ها کار کرد؟ ولی از خدا کمک خواستم و البته جلسه بسیار مؤثری که آقای وکیل در «دبیرستان البرز» گذاشت و در آن چگونگی آموزش این کتاب‌ها را تشریح کرد، برایم خیلی راهگشا بود. همان راهنمایی‌ها را به‌کار گرفتم و در کارم موفق شدم.

من در همین ساعات معمول، ۹۰ درصد مصحف را در کلاس تدریس می‌کنم. البته برای تدریس صد درصد مصحف برنامه‌ریزی می‌کنم، ولی به‌دلیل تعطیلات یا به دلایل دیگر، وقفه‌ای پیش می‌آید و نمی‌توانم کتاب را تمام کنم.

باقری: از اول کتاب شروع می‌کنید؟

دهقان: از اولین جلسه سال تحصیلی سر کلاس می‌روم. ۹ صفحه‌ای را که قرار است در آن جلسه تدریس شود، بین دانش‌آموزان تقسیم می‌کنم. به این علت که در کلاس ۳۵ دانش‌آموز دارم، یک صفحه را به سه و گاهی چهار قسمت تقسیم می‌کنم. بعد دانش‌آموزان را به نوبت به خواندن دعوت می‌کنم و هر کس سهمی را که به وی رسیده است، می‌خواند. برای اینکه دانش‌آموزان خسته نشوند، از صفحه‌های متفاوت می‌خوانند. در کلاس من همه دانش‌آموزان منتظرند که آن‌ها را به خواندن قرآن دعوت کنم. گاهی وقت کافی نیست که همه بخوانند. ناچار از دانش‌آموزانی که در روخوانی مهارت بیشتری دارند، استفاده می‌کنم. به نظر من معلم باید سطح مهارت همه بچه‌های کلاس را در نظر بگیرد و برای تمام سطوح و استعدادها برنامه داشته باشد. در غیر این صورت چگونه می‌تواند تفاوت دانش‌آموزان را در نظر بگیرد؟

بنده برای دانش‌آموزی که با «ترتیل» می‌خواند، در امتیازدهی دو غلط روخوانی را حساب نمی‌کنم یا دانش‌آموزی

که سال گذشته ضعیف بوده است، ولی امسال تلاش می‌کند که بهتر بخواند، حتی اگر بخش‌بخش بخواند، تشویق می‌شود؛ زیرا هدف برنامه آموزشی، تقویت روخوانی است. البته جای نکات تفسیری در کتاب واقعاً خالی است. چه اشکالی دارد که قرآن برای شش سال متوسطه پنج جزء پنج جزء تدوین شود و همراه با هر پنج جزء، نکات تربیتی و تفسیری هم بیاید؟

باقری: «آیا اتفاق افتاده است که دانش‌آموزان کتاب مفاهیم و کتاب ده جزئی‌ها را با خود سر کلاس نیاورند؟»

دهقان: این اتفاق نمی‌افتد. من سه چهار سال می‌شود که مجری قرآن صحگاهی مدرسه هستم. قرآن در تمام کلاس‌ها هست. اگر هم دانش‌آموزی یادش برود کتاب درسی‌اش را بیاورد، قرآن سر کلاس را برمی‌دارد و با اشتیاق از آن استفاده می‌کند. البته این قرآن ترجمه دارد ولی کتاب درسی بدون ترجمه است.

یادآور شوم که امروز دیگر به روشی که بیست سال پیش برای تدریس قرآن استفاده می‌کردم، تدریس نمی‌کنم. من از فیلم‌های مناسب هم استفاده می‌کنم. امسال در درس «سوره مریم»، بخشی از سریال حضرت مریم را برای بچه‌ها پخش کردم. این کار حال بچه‌ها را دگرگون می‌کند. در وبلاگم هر ماه یک بار برای دانش‌آموزان پرسش‌های قرآنی طرح می‌کنم. برای مثال می‌پرسم: «آیه مباهله در کجای قرآن آمده و درباره چه کسانی است؟» به کسانی که جواب درست بدهند، کارت امتیاز می‌دهم. نباید دانش‌آموز را به خواندن روزی یک صفحه از قرآن مجبور کرد. او درسش زیاد است و وقت نمی‌کند هفته‌ای ۹ صفحه قرآن بخواند.

سیدعلی ضرغامی (منطقه ۲): من بیست سال سابقه تدریس دارم. با دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره راهنمایی نیز کار کرده‌ام. قبل از آمدن به این جلسه، به من گفتند قرار است نمایندگان مناطق، ضعف‌ها و قوت‌های کتاب‌های درسی قرآن را مطرح کنند تا در تدوین کتاب درسی جدید لحاظ شوند، به همین علت با همکارانی که در منطقه ۲ قرآن درس می‌دهند، صحبت کردم و نظر آنان را خواستم. بنابراین، آنچه را خدمت همکاران عرضه می‌کنم،

جمع‌بندی آرای همکاران منطقه است. با این توضیح که ضعف‌ها را تا حدی پررنگ‌تر می‌کنم.

الف. باید مشخص شود هدف از نزول قرآن چیست؟ آیا می‌خواهیم قاری خوب تربیت کنیم تا با صوت زیبا بخواند یا به‌دنبال درک و دریافت مفهوم قرآنیم؟ بدون تردید، همه‌ی ما اصل را بر این نکته می‌گذاریم که قرآن برای مفاهیمش اهمیت دارد.

ب. تمام همکاران در منطقه متفق‌القول بودند که حجم کتاب‌های ده جزئی زیاد است و زمان کافی برای تدریس کل کتاب ندارند.

ج. پیشنهاد ما این است که دو کتاب درسی را در یک کتاب بگنجانند و «سوره یوسف» را در این کتاب بیاورند. زیرا فیلم مربوط به این سوره ساخته شده است. بدین ترتیب، می‌توان هنگام قرائت آن و توسط قاری، مفهوم منعکس در فیلم نیز پخش شود تا برای همه‌ی افراد مستمع قابل فهم باشد. د. می‌توانیم قصص قرآنی را در کتاب جدید نقل کنیم؛ زیرا این قصه‌ها با لطافتی که دارند، تنوع ایجاد می‌کنند و امکان ابلاغ پیام‌های قرآنی را به دانش‌آموزان پدید می‌آورند.

ه. واقعاً نمی‌رسیم تمام کتاب ده جزئی را تدریس کنیم. براساس پیشنهاد کتاب تمرین، برای مثال به دانش‌آموزان می‌گوییم از صفحه ۱۰۰ تا ۱۰۸ را در خانه بخوانند. سر کلاس هر دانش‌آموز باید از هر صفحه‌ای که گفتم ۷ تا ۸ سطر را بخواند اما به‌دلیل فرصت کم از همین صفحه‌های تعیین شده، بیشتر از سه صفحه را نمی‌شود خواند. در هر جلسه درس، نیمی از وقت را به کتاب ده جزئی اختصاص می‌دهم. و. عموم دانش‌آموزان کتاب‌ها را همراه می‌آورند.

میرافضلیان (منطقه ۱۰): اینکه به بچه‌ها «سی‌دی» بدهیم تا گوش کنند و یاد بگیرند، روشی طوطی‌وار، غلط و قدیمی است. روشی که بنده به کار می‌برم، ضربی است (الان وقت توضیح آن را به‌طور کامل ندارم). در این روش به بچه‌ها می‌گوییم: فتحه را که دیدی، دهانت را باز کن. کسره را که دیدی، لبخند بزن و صدا را بشکن. کسر یعنی شکستن. فتح یعنی باز کردن. ضمه از ضم است، یعنی لب‌هایت را باید غنچه

کنی. دانش‌آموز اگر این چیزها را یاد بگیرد، به خودش متکی می‌شود و به مدرس چندان نیازی ندارد. بنابراین، یاد گرفتن روش آموزش اصل است. خواندن را هم باید کم‌کم یاد بگیرد. ابتدا بتواند ساده بخواند و بعد کشیده‌تر.

باقری (مسئول جلسه): با توجه به زمان، اجازه بفرمایید من از شما بپرسم. شما کتاب ده جزئی و کتاب مفاهیم را سر کلاس چگونه تدریس می‌کنید؟ منظور شرح روش تدریس نیست. بفرمایید چه اتفاقی سر کلاس می‌افتد؟

میرافضلیان: روش خواندن را یاد می‌دهم. فرصت نمی‌شود تمام ده جزء را بخوانیم؛ زیرا به آموزش مفاهیم هم باید برسیم و اصلاً وقت نداریم. برای مثال، می‌گوییم از ص ۳۰۰ یا ص ۲۰۰ یا ص ۱۵۰ بخوانید. اما روی روش یادگیری تأکید می‌کنم تا دانش‌آموز بداند چگونه قرآن را بخواند. یا روی تابلو می‌نویسم و بعد مداد برمی‌دارم، مثل کلاس اول دبستان، بخش‌بخش می‌کنیم؛ طبق آنچه در آموزش فتحه و ضمه و کسره گفتم.

باقری: شما برای تدریس ده جزئی‌ها، از طرف آموزش و پرورش دوره دیده‌اید؟

میرافضلیان: دوره خاصی ندیده‌ام.

باقری: باید عرض کنم که برای تدریس ده جزئی‌ها در کلاس، دوره تربیت مدرس با حضور همکاران برگزار شده است. البته تشکیل این دوره در مناطق با شدت و ضعف همراه بوده است.

محمد مینایی (منطقه ۵): بنده در سه پایه تدریس می‌کنم. ساعت تدریس خیلی کم و حجم مطالب (هم قرائت و هم مفاهیم) خیلی زیاد است. برای تدریس هر بخش، حداقل به یک جلسه کامل نیاز داریم. بنده از پاسخ به پرسش آقای باقری شروع می‌کنم. معمولاً از کتاب ده جزئی‌ها یک سوره را انتخاب می‌کنم و ابتدا مفاهیم مربوط به روخوانی را با دانش‌آموزان کار می‌کنم. با این روش در قالب روخوانی و روان‌خوانی، قواعد مربوط را آموزش می‌دهم.

در این دوره اصلاً فرصت پرداختن به تجوید را نداریم اما به‌دلیل سن و سال بچه‌ها، آن‌ها باید قرائت حمد و سوره را به‌صورت کامل فرا بگیرند.

دانش‌آموزان معمولاً هر دو کتاب مفاهیم و ده جزئی‌ها را در هر جلسه درس همراه دارند. اگر کسی هم نیاورد، به این دلیل که متن آموزشی را با استفاده از ویدئو پروجکشن به همه نشان می‌دهم، اشکالی ایجاد نمی‌شود.

باقری: فرمودید سوره‌ای را برای آموزش انتخاب می‌کنید. بفرمایید برای هر پایه چه سوره‌ای را انتخاب می‌کنید؟

من از دانش‌آموزان می‌خواهم قرآن کامل را با خودشان به مدرسه بیاورند. بعد قرآن کامل و کتاب ده جزئی را باز می‌کنم آیات مشخصی را کنار هم می‌گذارم و آنان را متوجه می‌کنم که این دو هیچ فرقی با هم ندارند

دزفولی: فکرمی کنم کتاب مفاهیم کتاب خوبی است و بر مخاطب تأثیر می گذارد. چون وقتی کتاب مفاهیم را تدریس می کنم و بعد به روخوانی آیات می رسم و از مفهوم آیه ای می پرسم، بچه ها قادر به بیان مفهوم و ترجمه آیه هستند

مینایی: الان حضور ذهن ندارم تا عرض کنم برای پایه اول چه سوره ای را انتخاب می کنم اما برای پایه دوم، سوره «حجر» را انتخاب و در طول سال تدریس می کنم. به یاد ندارم که برای پایه سوم کدام سوره را برگزیده ام.

در تدریس مفاهیم، از جمله آیات مربوط به حضرت سلیمان و بلقیس را انتخاب می کنم. برای اینکه مفاهیم آیات در یاد بچه ها بماند، از کلمه و بعد ترکیب آغاز می کنم و در نهایت به کل آیه می پردازم. هنگام درس از داستان ها و حکایاتی که پیرامون همان آیات وارد است، بهره می گیرم. به لغاتی که دانش آموزان به عنوان «کار در کلاس» باید ترجمه کنند، به صورت تفکیکی می پردازیم.

محمد هاشمی (منطقه ۱۹): امروز بیشتر برای گله کردن آمده ام اما قبل از آن، باید از برگزاری چنین نشست های از دوستان تشکر کنم. چرا باید شکوه کنیم؟ به این علت که با تدوین کتاب های ده جزئی و تکه پاره کردن قرآن، به ساحت قرآن کریم اهانت شد. اگر از اول دبستان، برای آموزش قرآن شیوه خاصی لحاظ می شد و قرآن کامل را با معنی چاپ می کردیم تا روی معنی هم کار بشود، خیلی بهتر بود. در این وضعیت می توانستیم از روش علامه طباطبایی در «تفسیر المیزان» بهره ببریم. نمی شود گفت این آیه را انتخاب می کنیم و دیگری را انتخاب نمی کنیم. خداوند تمام آیات را برای هدایت بشر فرستاده است. در آموزش باید از «فاتحه الکتاب» شروع کرد و پس از توضیحی درباره آیات، قواعد مربوط به آیه تدریس شود. به دنبال آن بحث روایی بیاید و با آوردن حدیث یا داستانی ذیل همان آیات، کار پایان پذیرد. در گذشته این برنامه از اول ابتدایی آغاز می شد و تا پایان دبیرستان ادامه می یافت. بدین ترتیب هر دانش آموز از آغاز تا پایان تحصیل، قرآن کاملی را در یک مجلد با خود داشت. متأسفانه با بخش بخش کردن قرآن، دانش آموز در پایان سال، قرآن را نیز با دیگر کتاب ها کنار خیابان می گذارد و این کار خیلی بد است.

باید آموزش قرآن را کاربردی، همراه با ایجاد انگیزه می کردیم. حرف اول را در هر کاری انگیزه می زند. در حال حاضر دانش آموز نمی داند چرا و با چه انگیزه ای باید قرآن بخواند. اولیای دانش آموزان اعتراض می کنند که چرا فرزندشان از درس قرآن نمره ۱۰ یا ۱۲ گرفته است! فکر می کنند، نمره درس قرآن باید جبران نمره ریاضی را بکند. در درس قرآن نمره نباید مطرح باشد. ارزشیابی باید توصیفی باشد. آیا بنده که آیاتی را مثلاً با تقلید از صدای عبدالباسط قرائت کردم، باید نمره ۲۰ باشد؟

بنده در آغاز هر سال به دانش آموزان می گویم، از سال اول راهنمایی سی دی حاوی سی جزء قرآن در اختیار شما قرار گرفته است و هر سال باید ده جزء را بخوانید. برخی از دانش آموزان می گویند، کتاب فروش سی دی را به ما نداد. طبق آنچه در ابتدای کتاب آمده است، از آن می خواهیم هر روز یک صفحه از قرآن را بخوانند تا در طول یک تا دو سال بتوانند قرآن را ختم کنند. تشویق می کنم که با استفاده از سی دی قرآن را بخوانند. آن ها قواعد را نمی دانند اما می توانند درست بخوانند. هنگام پرسش هم از صفحه های متفاوت می پرسم تا متوجه شوند که معلم پیگیر کار است. بدین ترتیب آنچه را در خانه خوانده اند، در کلاس تکرار می کنیم.

در پایان وقتم پیشنهاد می کنم برای هر مدرسه یک جلد «المعجم المفهرس» تهیه شود؛ زیرا برخی از دانش آموزان به کار تحقیقی علاقه دارند و می توانند از این کتاب استفاده کنند.

امیرحسینی (منطقه ۱۵): منظور این شعر چیست: «سخن کز دل برآید، لاجرم بر دل نشیند». به این دلیل حرف هایم را این گونه آغاز کردم که بگویم: اگر به این معیارها عمل کنیم، درس قرآن تأثیرگذار خواهد شد.

۱. حداقل آنچه را در درس قرآن به دانش آموزان می گوئیم، خودمان عمل کنیم. برای مثال، به بچه ها می گوئیم همیشه باید طهارت داشت؛ زیرا برای لمس قرآن واجب است. آیا روزی یک صفحه قرآن را خودمان می خوانیم؟

۲. چقدر در مدارس زمینه و امکانات فراهم است تا بشود کتاب را در کمتر از دو ساعت (حدود یک ساعت و ۲۰ دقیقه) تدریس کرد؟

۳. آیا سه قسمت کردن قرآن (هر قسمت ده جزء) درست است؟ با این کار به دانش آموز اجازه می دهیم در پایان هر سال تحصیلی قرآن را نیز مانند کتاب های دیگر درسی به کناری بیندازد. بهتر است قرآن به صورت کامل در اختیار دانش آموزان قرار گیرد. ضمن اینکه قرآن کامل در مدرسه یا نمازخانه هست. می توان در هر کلاس قفسه ای گذاشت و قرآن را در آن قرار داد. اشکالی هم ندارد که درس قرآن در



نمازخانه تدریس شود.

خواهش می‌کنم قرآن‌های سه قسمتی را جمع کنید. فکر می‌کنم تمام همکاران با این اقدام موافق‌اند. با کلیت کتاب مفاهیم موافقم.

با عنایت به اینکه امکان ندارد تکلیف کتاب مفاهیم را در هر جلسه انجام داد، خودم صفحه‌هایی را مشخص می‌کردم تا دانش‌آموزان با کمک سی‌دی با دیگران آن‌ها را کار کنند. بعد تکلیف همان صفحه‌ها را در کلاس انجام می‌دادم. یک جلسه درسی را به کتاب مفاهیم و جلسه دیگر را به کتاب ده جزئی اختصاص می‌دادم. بنده دوره آموزشی روش تدریس ده جزئی‌ها را گذرانده‌ام.

اعظم آفارجبی (منطقه ۳): من با ده جزئی‌ها مشکلی ندارم. البته به اطلاع شما برسانم که کتاب روش تدریس را در اختیار ما قرار ندادند. اما روش کارم:

۱. ضمن گروه‌بندی دانش‌آموزان در اولین جلسه درس قرآن، آنچه را که خودم از روش درست‌خوانی قرآن بلدم، به دانش‌آموزان یاد می‌دهم.

۲. در جلسه دوم، یکی از سوره‌های کوتاه قرآن (مثل سوره قدر) را باید یاد بگیرند، نه اینکه حفظ کنند.

۳. در جلسه بعد می‌پرسم چرا فلان کلمه، این‌طور تلفظ می‌شود یا علت اتصال را می‌پرسم تا قاعده «یرملون» را فراگیرند.

۴. پس از اینکه این مرحله را با فراگیری دانش‌آموزان پشت‌سر گذاشتیم، برای مثال پنج صفحه اول را تعیین می‌کنم

تا بر آن‌ها مسلط شوند. به اطلاع خانواده‌ها هم می‌رسانم که بچه‌ها باید در خانه کار کنند.

۵. در جلسه بعدی کلاس، با نظارت من ابتدا گروه‌ها با هم چند دقیقه درس را می‌خوانند و هر جا مشکلی دارند، می‌پرسند. در ادامه کار، هر دانش‌آموز دو تا سه آیه را می‌خواند. اگر درست بخواند، برایش درجه «خیلی خوب» می‌گذارند و اگر نتواند واژه‌ای را درست بخواند، آن واژه را روی تابلو می‌نویسم و همراه با مثال تشریح می‌کنم.

تقسیم کار از ابتدا تا پایان هر سال این‌گونه است که یک هفته کتاب مفاهیم و یک هفته کتاب ده جزئی را تدریس می‌کنم. معمولاً همه بچه‌ها روخوانی قرآن را یاد می‌گیرند، اما زیباخوانی موضوع دیگری است؛ گرچه تعدادی از دانش‌آموزان می‌توانند زیبا هم بخوانند. برای روخوانی اصرار دارم همراه با سی‌دی تمرین کنند، زیرا اگر خودشان بخوانند، ممکن است اشتباه بخوانند.

باقری: درباره با هم بودن یا جدا بودن کتاب قرائت و مفاهیم نظری دارید؟

آفارجبی: همکاران از سه قسمت شدن قرآن گله کردند؛ زیرا سبب بی‌حرمتی می‌شود. من این اتفاق را به ندرت دیده‌ام. به دانش‌آموزان می‌گویم اگر نمی‌خواهید کتاب را با خودتان ببرید، در مدرسه بگذارید.

من از دانش‌آموزان می‌خواهم قرآن کامل را با خودشان به مدرسه بیاورند. بعد قرآن کامل و کتاب ده جزئی را با هم می‌کنم آیات مشخصی را کنار هم می‌گذارم و آنان را متوجه می‌کنم



باید مشخص شود هدف چیست؟ آیا می‌خواهیم قاری خوب تربیت کنیم تا با صوت زیبا بخواند یا به دنبال درک و دریافت مفهوم قرآنیم؟

باقری: خانم مرآتی، چگونه از کار دانش‌آموزان ارزشیابی به عمل می‌آوردید؟

مرآتی: هنگام امتحان دانش‌آموز موظف است هر صفحه از کل ده جزء را که بگوییم، درست بخواند.

شبستری (منطقه ۱۳): در حال حاضر در هر سه دوره آموزشی تدریس می‌کنم. این جلسه می‌باید قبل از اینکه کتاب را سه پاره می‌کردند، تشکیل می‌شد. اکثر همکاران این شیوه را نادرست می‌دانند. باید توجه داشت که طبق ضرب‌المثل «سنگ بزرگ برداشتن علامت نزدن است»، وقتی حجم کتاب درسی زیاد باشد، کیفیت آموزش نزول می‌کند. من شیوه قبلی را، که در آن آیات مشخص و معدودی انتخاب می‌شدند، بیشتر می‌پسندم. باید آیات مناسب را انتخاب کرد و در کتاب آورد.

توجه داشته باشیم که شیوه موجود روش تدریس فقط سبب افزایش محفوظات دانش‌آموز می‌شود. روش من این است که از کتاب ده جزئی‌ها، سوره یا صفحه مشخصی را برای تدریس انتخاب می‌کنم. امسال از ابتدا و انتهای کتاب انتخاب کرده‌ام و دانش‌آموزان کتاب ده جزئی را هر جلسه می‌آورند. کتاب مفاهیم را هم در حد محتوای کتاب و هر هفته تدریس می‌کنم. متأسفانه زمان تدریس برای قرائت و مفاهیم کم است. ؟؟؟ (منطقه ۱۷): بنده ۲۴ سال سابقه تدریس دارم. کتاب قبلی که قرائت و مفاهیم با هم بودند و کتاب جدید را سه دوره تدریس کرده‌ام. به نظر من، تدوین تلفیقی از کتاب‌ها ترجیح دارد. کتاب سال ۱۳۷۰ و در کنار آن، قواعد روخوانی و حرکات را به دانش‌آموزان درس داده‌ام. برای آموزش کتاب جدید در پایین شهر امکانات نداریم. دانش‌آموزان در خانه، نه رایانه دارند نه دی‌وی‌دی. به دلیل حجم زیاد کتاب ده جزئی نمی‌توان همه کتاب را تدریس کرد.

اگر روخوانی و تمرین در یک کتاب قرار می‌گرفتند، بهتر بود؛ زیرا بچه‌ها به علل مختلف هر دو کتاب را به کلاس نمی‌آورند. روش من در کلاس این‌طور است که به دانش‌آموزی می‌گویم صفحه‌ای را بخواند و به دانش‌آموز دیگری می‌گویم تمرین را حل کند. متأسفانه با آنکه دانش‌آموزان کتاب را در خانه مطالعه نمی‌کنند و تکلیف را انجام نمی‌دهند، والدین

که این دو هیچ فرقی با هم ندارند.

پروین مرآتی (منطقه ۱۴): مدرس هر سه پایه دوره راهنمایی هستیم. اگر کتاب‌های قرائت و مفاهیم در یک مجلد تدوین می‌شدند، خیلی بهتر بود.

با عنایت به دوره بحرانی زندگی دانش‌آموزان دوره راهنمایی، می‌باید آیاتی متناسب با این دوره سنی و مناسب برای آن انتخاب می‌شد. به نظرم باید بیشتر آیات اخلاقی را در کتاب بیاوریم. برای دخترها آیات حجاب و آیاتی که درس زندگی می‌دهند، مناسب‌ترند.

در کلاس یک هفته روخوانی و یک هفته مفاهیم را کار می‌کنم. با توجه به حجم خیلی زیاد آیات، اگر بخواهیم ۱۰ تا ۱۲ صفحه را در یک جلسه بخوانیم، ممکن نیست. در کلاس ما دانش‌آموزان در سه ردیف می‌نشینند و در هر جلسه، یک صفحه را یک ردیف از دانش‌آموزان می‌خوانند. بنابراین در هر جلسه فقط سه صفحه را می‌توانیم بخوانیم.

روش کارم چنین است: دانش‌آموزان باید در منزل هر درس را از روی سی‌دی مرور کنند. سر کلاس پنج دقیقه وقت تکرار دارند. بعد هر دانش‌آموز باید دو آیه را بخواند و برای هر نفر نیز نمره می‌گذارم.

با توجه به اینکه هدف از آموزش قرآن انس گرفتن با آیات الهی است و اینکه از آن درس دنیا و آخرت بگیریم، برای تدریس کتاب مفاهیم هم با برنامه عمل می‌کنم. برای مثال از تمام دانش‌آموزان ردیف اول کلاس می‌خواهم ترجمه آیات صفحه‌ای را که خوانده‌اند و نکته‌هایی را که یادداشت کرده‌اند، بیاورند. آن‌ها موظف‌اند ترجمه و نکته‌ها را اول هفته تحویل سرگروه بدهند. سرگروه هم نکاتی را براساس آنچه دانش‌آموزان هر گروه نوشته‌اند، یادداشت می‌کند و یادداشت‌ها را برای همه می‌خواند.

بچه‌ها گاهی پرسش‌هایی را مطرح می‌کنند. مثلاً درباره ارث می‌پرسند: به چه دلیل خانم‌ها از ارث، نصف آقایان سهم دارند؟ در این صورت باید بروند با توجه به تفسیر، موضوع را بررسی کنند تا در جلسه بعد درباره آن توضیح بدهم. بدین ترتیب، بچه‌ها هم با ترجمه و هم با مفاهیم آشنا می‌شوند. به هر حال حجم کتاب با توجه به ساعات تدریس زیاد است.

باقری: با توجه به آنچه فرمودید: در طول سال کتاب ده جزئی را به‌طور کامل تدریس می‌کنید؟

مرآتی: بله.

(جواب خانم مرآتی) سبب اعتراض عده‌ای از همکاران خواهر می‌شود. اما خانم مرآتی تأکید می‌کنند: در تدریس مشکلی ندارم و تمام ده جزء را در هر پایه کار می‌کنم.)

صفحه‌های کتاب قرآن باید خیلی خوب طراحی شوند. به‌عنوان نمونه، گل و بوته صفحه آخر کتاب زیباست و شعر زیبای چایچیان هم بر جذابیت آن افزوده است. باید از این نوع اشعار در کتاب استفاده کرد

در قرآن داریم. تهیه‌کنندگان کتاب فکر کرده‌اند آن داستان‌ها در حد فهم دانش‌آموزان نیستند. آقای محسن قرائتی در یک ربع از گفتارش، از تمثیل‌ها و حکایت‌های فراوان بهره می‌گیرد و تعبیرهای زیبایی از قرآن را چاشنی کلامش می‌کند. ایشان حتی یک کلمه به زبان نمی‌آورد که معنی آن را کسی درنیابد. کلامش همه‌فهم است. باید از ایشان بیاموزیم.

بخشی از آنچه درباره شناخت در کتاب آمده است، اصلاً ربطی به شناخت ندارد. در کتاب باید از سخنان دانشمندان شناخته شده استفاده کرد. معلم قرآن، ارنست رنان را نمی‌شناسند اما ادیسون را همه می‌شناسند. جمله‌هایی هم که از دانشمندان نقل می‌شوند، باید گیرایی بیشتری داشته باشند. صفحه مربوط به خلیان شهید بابایی قشنگ است.

از طریق مقایسه کتاب روش ساده تدریس قرآن و کتاب درسی، می‌توان ضعف‌های کتاب درسی را دریافت. برای مثال، «آمن» را در کتاب پایه اول می‌آورد. ولی «آمنوا» را در کتاب پایه دوم قرار می‌دهید، چرا؟ باید اجازه بدهیم وقتی دانش‌آموز «آمن» را فهمید، کلمات هم‌خانواده آن را مثل «آمنوا» و «یؤمنوا» را هم بفهمد. در این صورت هر جاز مشتقات «آمن» بیاید، متوجه می‌شود.

در کتاب مفاهیم باید تلاش شود دانش‌آموز اصل مفهوم آیات و کلمات قرآن را دریابد، نه اینکه معنای تحت‌اللفظی را یاد بگیرد. برای مثال، اگر دانش‌آموز درنیابد مفهوم ایمان چیست، فراگیری تحت‌اللفظی آن ایمانی در وی پدید نمی‌آورد و ایمان در زندگی‌اش کاربردی نخواهد داشت.

مادر دانش‌آموز به بنده می‌گوید: عربی تدریس می‌کنی؟ می‌گویم: خیر خواهرم! این قرآن است. چرا این را از من می‌پرسد؟ زیرا شیوه تدریس قرآن را خیلی خشک ارزیابی می‌کند.

صفحه‌های کتاب قرآن باید خیلی خوب طراحی شوند. به‌عنوان نمونه، گل و بوته صفحه آخر کتاب زیباست و شعر زیبای چایچیان هم بر جذابیت آن افزوده است. باید از این نوع اشعار در کتاب استفاده کرد. طراحی زیبای صفحه‌ها، ضمن اینکه از نظر بصری دانش‌آموزان را جذب می‌کند و سبب نشاط می‌شود، احساس خشک بودن درس را هم از بین می‌برد.

درباره کتاب ده جزئی هم یادداشت کرده‌ام که خدمت حضار محترم عرض می‌کنم. کتاب قرآن پایه سوم، از «سوره آل عمران» شروع می‌شود؛ در حالی که مصحف ده جزئی است. پس باید از «سوره روم» شروع کنیم. پیشنهاد این است که سوره‌های آل عمران و «بقره» در کتاب پایه سوم بیایند، تا زمانی که آیه را توضیح می‌دهیم، دانش‌آموز تطبیق آن را هم ببیند و همراه با قرائت، مفاهیم مربوط را هم کار کند.

انتظار نمره ۲۰ را از این درس دارند.

اینکه فرمودید چطور کار دانش‌آموزان را ارزشیابی می‌کنم، باید عرض کنم، از صفحه‌هایی که خودم خوانده‌ام، امتحان می‌گیرم. من در دوره‌های آموزشی منطقه ۱۷ شرکت کرده‌ام.

خانم مسعودی (منطقه ۹): من ۱۸ سال سابقه کار در آموزش و پرورش دارم و ۱۵ سال قرآن تدریس کرده‌ام. حجم کتاب‌های ده جزئی زیاد است و مفاهیم آیات کتاب با متن آیات تطبیق ندارند.

درباره کتاب ده جزئی عرض کنم؛ هفته اول سال تحصیلی که جلسه انجمن اولیا و مربیان تشکیل می‌شود، طبق قرار قبلی با مدیر مدرسه، با اولیا صحبت می‌کنم و به آنان اطلاع می‌دهم که دانش‌آموزان باید هر روز یک صفحه از کتاب درسی قرآن را در خانه بخوانند، اگر چنین کاری را نمی‌توانند هر روز انجام دهند، در هفته باید ۸ صفحه از قرآن را بخوانند؛ یعنی بچه‌ها را مجبور به خواندن روزانه قرآن نمی‌کنم. بیشتر بچه‌ها می‌گویند قرآن می‌خوانند ولی نه هر روز.

هر دو ماه، یک بار دی‌وی‌دی را برای بچه‌ها پخش می‌کنم. البته یادآوری می‌کنم که در خانه از دی‌وی‌دی استفاده کنند. ۱۰ تا ۱۲ درصد می‌گویند که نتوانسته‌اند دی‌وی‌دی را باز کنند. به نظرم کتاب‌های شش تا هفت سال پیش که مفاهیم و قرائت با هم بودند، از کتاب‌های کنونی بهتر بودند؛ زیرا دانش‌آموزان زودتر درمی‌یافتند که چطور آیه‌ای را ترجمه کنند.

با همکاری که می‌گویند ممکن است به دلیل لمس بدون وضوی آیات حرمت قرآن شکسته شود، موافقم.

عیسی حیدری (منطقه ۱۲): از جلد کتاب ده جزئی شروع می‌کنم. جلد این کتاب زیبا نیست. در صفحه‌های ۲۳ و ۲۸ و از ۵۲ تا ۶۱ کتاب، عکس‌ها بی‌روح‌اند و برانگیزنده نیستند.

تصویر صفحه‌ای که آیه «قد افلح من تزکی» در آن آمده، در چاپ سیاه شده است و جذابیت ندارد. تابلوی صفحه ۵۲ بسیار زیباست، ولی طراحی و رنگ آن بسیار بد است.

درباره کتاب مفاهیم باید بگویم داستان‌های دیگری هم

باقری: آقای حیدری، آنچه در کلاس بدان عمل می کنید، برای ما اهمیت دارد.

هنگام تدریس یک صفحه از قرآن را می خوانم و دانش آموزان تکرار می کنند. کلمه های سخت را به روش تفکیک به دانش آموزان یاد می دهم.

خانم بارخوانی (منطقه ۱۶): ۲۱ سال است که به طور هم زمان درس های عربی و قرآن را تدریس می کنم. پیشنهادم این است که درس قرآن را در ساعت اول روز شنبه (اول هفته) قرار بدهند؛ زیرا قرآن ذهن را باز می کند. در قرآن کریم آمده است: «لا بذكر الله تطمئن القلوب.» درس هایی مثل فیزیک و ریاضی که برای بچه ها سنگین هستند، باید بعد از درس قرآن دایر شوند. از هر ۹ تا ۱۰ صفحه ای که باید هر جلسه خوانده شود، ابتدا یک صفحه را با رعایت تجوید در حد کلاس، خودم قرائت می کنم. بعد هر یک از سرگروه ها هم یک صفحه را قرائت می کنند. به بقیه اعضای گروه ۱۰ تا ۱۵ دقیقه فرصت مرور صفحه ها را می دهم و سپس پرسش ها را مطرح می کنم. بدین ترتیب در هر جلسه درس ۷ تا ۸ صفحه از قرآن را می خوانیم.

مهدی قاسمی (منطقه ۶): اگر تدریس قرآن ده جزئی همراه با ترجمه باشد، خیلی عالی خواهد بود؛ زیرا دانش آموزان می خواهند از کتاب فراتر بروند. من در تدریس به توصیه هایی که در ابتدای کتاب آمده است، عمل می کنم. هر صفحه را به دانش آموزان یک نیمکت می سپارم و قرائت را تکرار می کنیم. دانش آموزان اشکالات خود را از من یا سرگروه می پرسند. با این حال نمی توان کتاب ده جزئی را تمام کرد. اشکال هایی که دانش آموزان طرح می کنند، بیشتر به این کتاب بازمی گردد. از نظر من مصحف خیلی زیباست. پرسش بچه ها درباره نکاتی است که در کتاب نیست.

باقری: می توانید نمونه ای از این اشکال ها را بفرمایید؟

قاسمی: برای مثال، برخی از حروف علامت ندارند. برخی از حروف، خودشان صدای حرکت هستند. خب دانش آموز هنوز به این تشخیص درباره کلمه «قالوا» نرسیده است. باید نمونه ها و مثال های بیشتری در کتاب آورد. اگر نکات تجویدی را که آقای سیف در برخی از جلسات مطرح کرد، در کتاب بیاورند، خیلی راهگشاست. برای نمونه عرض کنم، به ما یاد داده بودند که روی هر حرفی «تشدید» بیاید، لازم است آن را تند و محکم ادا کرد اما نکته ای که آقای سیف فرمود، در صورت رعایت، بر قدرت قرائت دانش آموزان می افزاید. ایشان گفت: «روی حرفی که تشدید آمده است، باید مکث کوتاهی کرد.»

به نظرم جدا بودن کتاب ده جزئی از کتاب مفاهیم مفیدتر است اما باید دانش آموزان را متوجه حرمت قرآن کرد. بیشتر

دانش آموزان هر دو کتاب را به کلاس می آورند.

خانم سعدی (منطقه ۴): خوشبختانه همکاران محترم موارد زیادی را از آنچه باید، گفتند. به نظر من باید از حجم مصحف ده جزئی کاست. باید سوره های منتخب (مثل حجرات، واقعه و...) را با ترجمه در کتاب درسی آورد. به علاوه، تمام علائم و حرکات در آیات آورده شوند؛ وگرنه برای دانش آموزان مشکل ایجاد می کنند. به شرط اینکه وقت کلاس بیشتر شود، با شیوه تدریسی که در کتاب آمده است، موافقم. همچنین، بهتر است مثل حالا، کتاب مفاهیم و مصحف از هم مستقل باشند.

برکی (منطقه ۱۱): دانش آموزان می گویند در هر سه کتاب (پایه های اول، دوم و سوم) باید کلمه و ترکیب یاد بگیرند و ترجمه کنند و این برایشان دشوار است. به علاوه کتاب ده جزئی برایشان سنگین است. طبق نظر مؤلف کتاب، بچه ها باید هر شب یک صفحه از قرآن را در خانه بخوانند. برای این کار دفتر رابط تدارک شده است و معمولاً والدین آن را امضا می کنند. محتوای کتاب را به ۱۶ قسمت برای ۱۶ جلسه (مجموع جلسات هر ترم) تقسیم می کنیم و در این مدت بچه ها تمام کتاب را می خوانند.

خانم مزینانی (منطقه ۸): حجم آیات برای روخوانی خیلی زیاد است و حداقل باید به نصف حجم کنونی کاهش یابد. اکنون تمام دانش آموزان کلاس نمی توانند در یک جلسه قرآن را بخوانند. اگر دو کتاب کنونی، یک کتاب شود، بهتر است. با توجه به برنامه روخوانی و توضیح مفاهیم، متأسفانه فرصت ارزشیابی نداریم. ارزشیابی نکردن سبب بی توجهی گروهی از دانش آموزان به قرآن می شود. اگر بین ارزشیابی ها فاصله زمانی زیاد باشد، ارزشیابی هم بی اهمیت می شود. از طرف دیگر، فرصت لازم را برای حل تمرینات کتاب مفاهیم قرآن هم نداریم. به طور کلی حجم کتابها نسبت به زمانی که داریم، زیاد است.

باقری: آنچه در پرسش نامه مرقوم داشتید و آنچه در حضور همکاران محترم بیان کردید. به طور قطع نظرات شما مطالعه خواهد شد و در تألیف و تدوین بسته های آموزشی پایه های هفتم، هشتم و نهم از آن ها بهره خواهیم گرفت.

خوشبختانه همکاران محترم موارد زیادی را از آنچه باید، گفتند. به نظر من باید از حجم مصحف ده جزئی کاست. باید سوره های منتخب (مثل حجرات، واقعه و...) را با ترجمه در کتاب درسی آورد